



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شہادۂ اولاد اور شہادۂ اولاد

تقریباً
سید محمد سعید علی میرزا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه عاشورا و ظهور

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	دانشگاه عاشورا و ظهور
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۱	اشاره
۲۰	«شعر»
۳۱	طلعت زیبا
۴۸	نماز امام حسین (علیه السلام)
۶۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی، سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : دانشگاه عاشورا و ظهور / نویسنده سید محمود بحر العلوم میردامادی.

مشخصات نشر : قم : بهار قلوب □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۶۶ ص.؛ ۱۰×۱۹ س م.

شابک : ۲۴۰۰۰ ریال : ۷-۰۹-۹۹۶۷-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع : حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق.

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : عاشورا

موضوع : عاشورا -- تاثیر

موضوع : مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره : BP۴۱/۵/م ۲۹۳ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۳۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۱۸۷۲۳

ص: ۱

اشاره

دانشگاه عاشورا و ظهور

نویسنده: سید محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر: بهار قلوب

چاپ دوم: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۰۹-۷

قیمت: ۲۴۰۰ تومان

ص: ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

این نوشته را در یک سفر تبلیغی در محرم الحرام ۱۴۲۶ هـ.ق فراهم نموده ام.

اگر چه ظرف زمانی این نوشته تاریخ مذکور است ولی گاه به روز الست و عالم ذر برگشته و گاه از روز اول خلقت انسان و سخن ملائکه و پاسخ خداوند متعال، سخن گفته ام، گاهی به وقایع عاشورا ۶۱ هـ.ق اشاره داشته و گاه از ضربه زدنهای منافقین به دانشگاه عاشورا در این زمان یاد کرده ام.

معمولاً در سفر، کتابی که برای نوشتن، مأخذ باشد وجود ندارد اما کتاب فطرت، قلب و دل انسان، انسان را اگر فاقد انسانیت نباشد به لیبک گفتن برابر حق و ادا می کند و دروس قرآنی، حدیثی و تاریخی را متذکر می گردد.

به هر حال آنچه می بینید از دل برخاسته و با سوز نوشته شده و مقصدی جز سوز دادن به دل ها و سرعت بخشیدن به حرکت رهروان دانشگاه عاشورا و منتظران ظهور مولا ندارد.

و سلام بر آنکه عاشورا را دانشگاه می داند و منتظر ظهور مولا است.

اینجا امسال تاسوعا با جمعه مطابق شده است، تاسوعا روز نهایت مظلومیت اهل البیت (علیهم السّلام) در کربلا، و جمعه روز قرارداد بشر و تعهد انسان است در «الست» که با آن بزرگواران وفادار بمانند.

تاسوعا، روزِ نامه آوردنِ شمر برای عمر سعد و جمعه، روز

امضا کردن نامه ی وجود، که هستی خود را فدای یار کند.

«تاسوعا» ضد «جمعه» گردید، ظلمت مقابل نور.

مگر «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» (۱) را نخوانده ایم؟

«فَاسْتَبْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» را یاد نداریم، مگر پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)، مذکر نیستند، یاد آور، یاد آورِ روزی که جمع خلق به خدایی خداوند متعال و رهبری اولیاء، «بله» گفتند!

ص: ۷

بشر، قبل از این در زبانش «بلی» داشت، چه شد، در تاسوعا بلاآفرین برای امام مؤمنین گردید.

«فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (۱)

را نگاه کنید؛ «نعم» چیست؟ «آلاء» کدام است؟

کدام نعمت بالاتر از آن چراغی است که خداوند متعال «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا...» (۲) را برای آن بکار برده است؟

نعمت «مصباح الهدی و سفینه النجاه» را خداوند اول بار به رُخ ملائکه کشید.

«...إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۳) این روز را می فرمود، روز تاسوعا و عاشورا، که اوج عبودیت و نهایت بندگی انسان، فوق فوق و خیلی بالاتر از بندگی و تسبیح ملائکه، جلوه گر شده است.

ص: ۸

۱- اعراف: ۶۹.

۲- آل عمران: ۱۶۴.

۳- بقره: ۳۰.

انسان، مثلاً عباس بن علی (علیهما السلام)، که ابوالفضائل است، پدر برتریها، برای باطل عبوس است. شمشیرش شعار «جاء الحقُّ وَ زَهَقَ الباطِلُ» (۱) سر می دهد، بازوانش «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الكُفْرِ» (۲) را اجراء می کند، چشمانش «فَتَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الخَالِقِينَ» (۳) را یاد می آورد، پیشانی‌اش «مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» (۴) را معنی می نماید، لبانش به امر «سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى» (۵) توجه دارد، سیمایش سیمای صدیقین و کلامش کلام ابرار است، صورتش صورت علی (علیه السلام) را در جنگ احد و خندق و خبیر به یاد می آورد، سیرتش سیرت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ) را به نمایش می گذارد.

ص: ۹

۱- اسراء: ۸۱.

۲- توبه: ۱۲.

۳- مؤمنون: ۱۴.

۴- فتح: ۲۹.

۵- اعلی: ۱.

«...إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (۱)

نمی بینید ابوالفضائل را؟! نمی دانید مقام او را؟

همه ی شهدا بر او رشک می برند، شما فساد سقیفه و

سفک دماء مدینه را می بینید و به ریسمان ستم و طناب دار که برای یار و میثم تمار آماده می کنند نگاه می کنید!.

شما به درب سوخته، و چهره های از شرارت برافروخته، تازیانه مغیره و اربابانش نظر دارید!

شما آب بستن معاویه و یزید و ستم ستمگران عنید صفین و کربلا را می بینید، اما بر روح بالا و بلند اولیاء من و بر روحیه ی استوار و با استقامت مقربان من اشراف ندارید.

«...إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» علی (علیه السّلام) نفسِ رسول (صلی الله علیه و آله و سلّم) و زوجِ بتول (علیها السّلام)، را کجا می توانید بشناسید آن چنان که هست.

ص: ۱۰

۱- بقره: ۳۰.

مدینه را بدون فاطمه (علیها السلام) بررسی می کنید «أَتَجْعَلُ» (۱) می گوئید؟ نمی دانید گل بی خار، یاس معطر نورانی زهره الزهراء (علیها السلام) چه مقامی دارد؟

در مورد کربلا بدون امام و دور از ابوفضائل قضاوت می کنید!!

تاسوعا دو تابلو دارد، یکی تابلوی موافقت با «جمعه، روز الست»، و دیگری تابلوی مخالفت با «جمعه»، همان که شما می گوئید.

صدای العطش العطش، شما را آزار می دهد، شما طاقت ندارید طفلان خردسال بیت رسالت را تشنه ببینید؛ ولی چه خبر دارید از ساقی، که با روحیه ای بلند و بالا- به طرف آب می رود، می خواهد آب بیاورد ولی دستانش را قطع می کنند و این فداکاری در تاریخ انسانیّت می ماند.

یا مَلَائِكَتِي! «...إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» می دانم نماز گزار کیست، شما فقط فساد گویندگان «قَالُوا لَمْ

ص: ۱۱

نَكَ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (۱) را می بینید؛ آن ها که همراه آل محمد (علیهم السّلام) حرکت نمی کنند، از مصلّین نیستند نماز گزار واقعی را ببینید، عباس (علیه السّلام)، آثار سجده بر پیشانیش آشکار می گردد و در اثر پیروی از امام زمانش نماز گزار واقعی به حساب می آید.

فلاح واقعی برای انسان ها است، هم آنان که پیرو «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ...» (۲) هستند.

اقامه ی «صلاه» را می دانید چیست؟ تطبیق ظاهر و باطن.

شما سؤال می کنید که چرا فساد؟ چرا خون ریزی؟ این کار، کار آن هایی است که نماز را اقامه نمی کنند ممکن است نماز بخوانند، ولی ظاهر نمازشان و الفاظ صلاتشان با باطن و قلب شان دوگانگی دارد.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» می گویند، «فقط تو را می پرستیم»!

ص: ۱۲

۱- مدّثر: ۴۳.

۲- بقره: ۳

ولی حکومت و مُلک ری را در سر می پروراند.

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» می گویند اما برای درهم و دینار دنیا فساد می کنند و خون ریزی به راه می اندازند.

ولی شما به اقامه کنندگان نماز نگاه کنید، به ابوالفضل (علیه السلام)، به کربلایان. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» می گویند و راست می گویند. امان نامه ی دشمن را رد می کند، چرا که «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» را از قلب و جان می خواند، حتی آب را رد می کند.

به دریا پا نهاد و خشک لب بیرون شد از دریا

فتوت بین جوان مردی نگر غیرت تماشا کن

آب را نمی چشد، وجودش برای امام حسین **la** آب می شود، خود آب می شود.

«... وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا - لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَ...» (۱)

هم پاک و پاکیزه است و هم قلوب مردم و اندیشه ی حق جویان را سیراب می کند و به انسان ها تعلیم

ص: ۱۳

جوان مردی و ایثار می دهد.

«مَا لَا تَعْلَمُونَ» ملائکه، چه می دانید؟ مگر بنا ندارم افراد استوار در طریقت اهل البیت (علیهم السّلام) را ماء غدق بنوشانم؟

چرا فقط تابلوی ظلمت، تابلوی ضد جمعه و ضد جوان مردی را نگریسته، از تابلوی نور بی خریدید؟

تابلوی اسماء را بنگرید؛ حتی به آدم هم می گویم «أَنْظُرُ إِلَى سَاقِ عَرْشِي» اسماء پیامبر و اهل بیتش! «لَوْلَاهُمْ لَمَا خَلَقْتُكَ».

گر نبودی میل و امید ثمر

کی نشاندی باغبان بیخ شجر

بحث اساتید جداست. بحث شاگردان این مکتب است، ابوالفضل (علیه السّلام) را نگاه کنید...

ص: ۱۴

به یاد کربلا امشب نمایم من سخنرانی
به عشق ساقی طفلان کند طبعم غزل خوانی
سپه سالار اهل جد، شجاعت را همی واجد
برای رب بسی ساجد گرامی پور عمرانی
بود مُجرّی «قَدْ قَامَتْ» ز قید نفس دون راحت
برای ظالمین آفت، شهید راه یزدانی
وجیه پیشگاه دین، دعایش را بسی آمین
توسّل بر رهش تمکین، شفیع باب رحمانی
بود

رمزش عزاداری، به سرعت رو سویش آری
«أیا کاشف!» به لب جاری، بود او فخر ایمانی
بود درسش همه غیرت، به راه حق همه نصرت
سراسر زندگی عزّت، مشو غافل از او آنی
به نازم روح باز او، یدینِ کارساز او
توسّل بر مزارش جو، وزیر عشق ربّانی
ابرمردی است با قدرت، معلّم در ره همّت
وزیر شاه با صولت، مُضیف بزم عرفانی

صفا دارد بسی کویش، جمال مرتضیٰ رویش

چرا بشکست بازویش به ظلم عبد شیطانی؟

بگرییم من از آن ساعت، که قدِ سروِ «قَدْ قَامَتْ»

خمید از دیدن آفت، شکست آن ظهر سلطانی

سکینه اَلْعَطَشِ خواند، همه چشمان به ره ماند

چرا سَقًا نمی آید، کجا شد حیدر ثانی؟

سکینه با پدر می گفت، لبان خشک او بشکفت:

عمو آبی برایم جست، رود احساس عطشانی؟

شهنشه هم جوابش داد، عمود خیمه را بنهاد

ز ظلم ظالمین فریاد، کجا شد روح انسانی؟

که یعنی بی علمدارم، ز بعد او گرفتارم

به دل عشق وِرا دارم، فُتُوْت را بود بانی

به قربان وفای او، کند «کوچک» ثنای او

بُودِ شَعْرَشِ رِثَايِ او، به لطف حی سبحانی

چه می گویم؟! امروز تاسوعا است!.

عده ای مخالف جمعه راه می روند، در تدارک آتش اند که فردا آتش به خیمه ها بزنند! بر خلاف وعده،

خدا و پیامبر را نفی می کنند و امام را به بیعت با یزید، امر، و از مبارزه با او نهی می نمایند.

وعده چه بود؟ قبول ربوبیت حق تعالی، رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت ائمه (علیهم السلام)، «یا أئمة الدین آمنوا أوفوا بالعقود...» (۱)

چرا عهدها و عقدها را شکستند، چرا سنگ بر پیشانی امام زده، قلب او را خستند؟

ملائکه، این کارزار را می دیدند، اما از کارزار خوبان به خوبی آگاه نبودند، کارزار عقل و شهوت! زمانی که عقل بر شهوت پیروز گردد و زمانی که انسان در امان خدا، دست در دست امین الله، امان یزید را مردود شمارد، زمانی که بشر «ماء معین» (۲)

و ولایت «امام مبین» (۳) را به آب فرات نفروشد و غربت «بئر

ص: ۱۷

۱- مائده: ۱

۲- ملک: ۳۰.

۳- یس: ۱۲.

مَعَطَّلَه» (۱) را در نظر گرفته از آب گوارای آن سیراب گردد، آن زمان انسان «خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ» می گردد و ملائکه در محضر چنین انسانی تا قیامت به خدمت مشغول اند.

«مَا لَا تَعْلَمُونَ»

تاسوعا و آب بستن و صدای العطش را فقط می بینید و می شنوید؟ عاشورا را ببینید که علم دار، علم داری می کند، طواف را ببینید، مگر شب قدر است که عباس به دور امام طواف می کند، نماز و نماز طواف را می خواند؟.

کفّ العباس را بنگرید، مقداری دورتر، از اسب افتاده است تا نماز طواف را بخواند.

فرق، بسیار است. کدام یک از شما این چنین طواف داشته اید؟ تشنه شده اید؟ شما کارزار را ندیده اید و سنگ جفا نخورده، ملک بوده اید؛ برای همین می گویم

ص: ۱۸

۱- حج: ۴۵.

اینجاست که شما باید خادم خدام الحسین (علیه السلام) باشید و به قلب زائرین کفّ العباس (علیه السلام) و حرم با صفایش صواب بیندازید تا آنها ثوابها و بهره های فراوان ببرند و با حکومت عباس بر نفس، حکم برانند و بر تهاجم دشمن، لعن ابدی بخوانند.

در میان سرداران اسلام و شهداء راه فضیلت و ایمان، مقامی مانند مقام عباس (علیه السلام) پیدا نمی کنید.

چرا که عبودیت، جوان مردی و پای مردی او در زمان حُجج من، یعنی علی و حسن و حسین (علیهم السلام) به نمایش نهاده شده، و به ویژه در تاسوعا و عاشورا به اوج خود می رسد.

کدامین شهید است که چنین نسبی داشته باشد؟ فرزند امام علی (علیه السلام) تمام وجود از علی سرچشمه گرفته و در مسیر، استوار می ماند تا به اعلی علّیین می رسد.

مادرش ام البنین (علیها السلام) منتخب است تا شهیدی منتخب به دنیا آورد، برادر امامین الحسن و الحسین (علیهما السلام)، ولی

خود را خادم می داند و راستی به امامین خدمت می نماید.

عموی بزرگ و بزرگوار نه امام، به دست کدامین شهید چند امام بوسه می زنند؟

«مَالَا تَعْلَمُونَ!» که نهمین امام از نسل امام حسین (علیه السلام) به خروش شما علیه فساد و خونریزی پاسخ می دهد.

به دعای مضطر، ظاهر می گردد و انتقام اعدا را می گیرد.

یکی از وجوه اشتراک قیام الحسین (علیه السلام) و قیام المهدی؟ این است که تمام، آن روز یعنی روز ظهور، اقامه ی نماز می کنند.

«الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ...» (۱)

تمام زمین اهل نماز می شوند، نماز واقعی که شرط صحّت را دارد طبق فقه اهل بیت: است و شرط قبول را هم دارد، چون با قبول رهبری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همراه

ص: ۲۰

۱- حج: ۴۱.

است. نمازشان نماز است، مانند نماز شهدای کربلا، اقامه است نه خواندن تنها، تطبیق ظاهر و باطن است، جسم بی روح نیست، قلب دارد، روح دارد، نمازی که شما ملائکه به تعجب می‌آفتید، مانند نماز عاشورائیان.

خواهید دید و خواهید شنید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» عباس و حبيب و مسلم را. راستی راست می‌گویند و در قلبشان همین می‌گذرد: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، و الا چرا عباس (عليه السلام) این همه ايتار می‌کند؟ چرا وعده‌های دشمن را مردود می‌داند؟ چرا حبيب و مسلم فرار نمی‌کنند؟ مگر نمی‌دانند فردا چه خبر است؟

ای ملائکه! شما به نماز فاسدین و مُفسدین فی الارض نگاه می‌کنید، و به آن که در حال مستی نماز صبح را چهار رکعت می‌خواند، به آن که نماز می‌خواند و فساد و خونریزی هم برایش عادت می‌گردد و از آن لذت می‌برد، شما از زمان ظهور بی‌خبرید.

زمان ظهور دیدنی است «...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ...» (۱) فقط مرا می پرستند و از شرک خبری نیست، جامعه بدون ریا، سلامت فکر و اندیشه و سلامت اقتصاد و جهان مادیات را در بر دارد.

آن روز اصل، تصحیح فکر و عقیده است، بر اساس عنایت ولی من، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فکرها بالغ می گردد، بشر به رشد فکری دست پیدا می کند، آن وقت ببینید چه می شود!

البته جهان، جهان اختیار است، این ها به جبر در دانشگاه مهدوی نام نویسی نکرده اند؟ این ها مجاهدین راه من شده، و با توسل و تقوا، لایق درگاه مهدوی و ظهور آن حضرت گشته اند.

یوم الظهور، روز ظهور بندگی است و روز ظهور کمال انسان.

قرن ها می گذرد بعد از واقعه ی کربلا و بعد از ائمه ی هدی (علیهم السلام) شما چشم به راه انسان های کامل اید.

ص: ۲۲

«وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ» (۱)

کم، خیلی کم، می یابید!

ولی یوم الظهور، روز ظهور قدرت من، به به روز جلالت ولی من...

گفتم «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» حالا دیدن دارد، ای ملائکه! من چشم به آن ها داشتم که نام شان را به آدم القاء کرده و ابراهیم را با آنان تا مهدی؟ امتحان می نمایم.

اصل هدف خلقت و علّت غائی آفرینش، مهدی و آباء طاهرین ایشان است، ظهور مهدی، ظهور هدایت است، آن روز «وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۲) به بهترین وجه معنی می گردد و مهدی، هادی امت می شود.

ص: ۲۳

۱- سبأ: ۱۳.

۲- رعد: ۷.

ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ظهور حق است «سُنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ ...» (۱).

ظهور حق همه جا، در همه ی عالم، آن وقت شما ببینید و «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» را خوب بدانید.

ظهور مهدی، ظهور حق است، به به باعلا صوت، ندای «جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ» طنین انداز می گردد، و آن ها که فساد جهان را می خواستند و خون ریزی می نمودند، نابود می گردند.

ظهور مهدی، ظهور قدرت عباد است، عباد من «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ...» (۲)

عباد من قدرت دارند، اما بروز قدرت به روز ظهور موکول شده است.

قدرت علی (علیه السلام) نمی تواند ظاهر بشود و قدرت ائمه: تا امام عسکری (علیه السلام)، همه ی قدرت را می گویم،

ص: ۲۴

۱- فصلت: ۵۳.

۲- انبیاء: ۱۰۵.

ظرف ها کوچک است، مردم ساخته نشده اند ولی مردم روز ظهور، فکرشان بلند و از روحیه ای بالا برخوردارند، ساخته شده اند، با نگاه مهدی مهدوی شده اند، مثل مردم اندک، ولی لایقِ زمانِ امامِ علی (علیه السّلام) که با نگاه حضرت، علوی می شوند، مثل عباس که با نگاه امام حسین (علیه السّلام) مراتب بالای بالا را از معنویت و بصیرت طی می کند و قدرت حسینی را می بیند.

می بینید که حسین (علیه السّلام) قدرت دارد ولی برای اتمام حجت و تدریس کمال و معرفت، با دشمن با رأفت عمل می کند.

قدرت جنگیدن، قدرت هلاک کردن دارد، اگر «موتوا» بگویند همگان می میرند، قدرت آبیاری، اما چه می شود، تشنه مانده است؟ مگر امام حسین (علیه السّلام) از موسای کلیم مقامش پائین تر است:

«...فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ...» (۱)

وقتی تکیه گاه، من باشم یعنی ولی با توکل من کار

ص: ۲۵

کند، چه می شود، کار باذن الله کار تمام است، دوازده چشمه ی آب، برای موسای کلیم پیدا می شود.

عباس می سوزد و می سازد که امام قدرت دارد، فوق قدرت موسی، می تواند دشمن را نابود کند ولی باز هم نصیحت، باز هم رأفت.

در بین عباد آن کس که قدرتش به ظهور می رسد، مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

چون مردم دوره ی ظهور همه عباسی می گردند، بصیرت ها و دیده ها بالا می رود.

طلعت زیبا

رازی از طلعت زیبا خواهم

آیتی از گل زهرا خواهم

گو به من وقت ظهور مهدی

که بود روز خوش هم عهدی

چه شود وضع جهان در آن روز

که شود نور به ظلمت ، پیروز

ص: ۲۶

گفت با من ز ظهور آن یار
دل شود منبع نور الأنوار
دست او دست عنایت باشد
بر سر خلق، کفایت باشد
همه جا بوی گل یاس رسد
روشنی بخش دل ناس رسد
همه امیتت شان تأمین است
عدل و انصاف بشر تضمین است
همه را لطف الهی شامل
حق چو آید برود هر باطل
همه جا نور رُخش جلوه گر است
همه را تاج عطایش به سر است
همه جا نور علی نور بُوَد
گوئیا منطقه ی طور بُوَد
همه بوسند ز خاک ره او
همگان محو جمال مه او
هست جوینده او یابنده
مؤمنان ره او پاینده

عشق مهدی به روان اوتاد

گویا شمس بود در مرداد

عشق مهدی ، شرف و دینداری است

علت اصلی سنگرداری است

عشق مهدی ، همه دین باشد

نسخه اصل ز تکوین باشد

دولت مهدی زهرا زیباست

همه جا عشق حسینی بر پاست

همه بر حجت حق ، یار شوند

همه عباسی و هُشیار شوند

آری عباس عزیز زهراست

با غمش کرب و بلا دشت بلاست

او به ما معرفت آموخته است

با عطش ساخته و سوخته است

«کوچکا» ، مفتخر از عشق ولی

باش حامد به خداوند علی

روز ظهور روز اجرا است، زمان ابلاغ گذشته است، زمان اجرا رسیده است، اجرای فرمان من و امر و نهی رسول و پیشوایان بعد از او که امر و نهی شان امر و نهی من است، روز ظهور، روز ظهور رأفت هم هست، مهدی قدرتمند با رأفت است، البته با سران فساد و کفر، رأفت ندارد.

روز ظهور او، روز ظهور رحمه للعالمین است، دلسوزی های پیامبر و علی تا امام عسکری را مُصلح بشریت به اکمال می رساند. ولی در مقابل، مردم زمان او از رحمت و رأفت سوء استفاده نمی کنند، اگر اهل سوء استفاده باشند، نابود می گردند.

چه می گویم، روز تاسوعا گذشت، از خدا می گویم تا ببینی شیعه از خداوند می گوید، سند قرآنی دارد.

ببین می فرماید «لقد منّ الله» (۱) منّت برای این که پیامبر فرستاده است، در مورد امام مهدی هم، همین را می فرماید:

ص: ۲۹

۱- آل عمران: ۱۶۴.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ...» (۱)

مَنْت می گذاریم بر آن ها که به استضعاف کشیده شدند، آن ها را امام و وارث (روی زمین) قرار می دهیم.

وجود پیامبر و رهبریش مَنْت دارد، امام مهدی هم همین طور است.

مَنْت وجود او که باعث بقاء هستی است، و لطف الهی است.

مَنْتِ تصرّف او، ظهور و تشکیل حکومت عدالت گستر جهانی، که به قول خواجه ی طوسی (قدس سرّه)، لطف دیگر است.

به هر حال، تاسوعا گذشت، هم تاسوعای سال ۶۱ هـ.ق و هم تاسوعای امسال (سال ۱۴۲۶) و تاسوعاها می گذرد، چه شد و چه می شود، چه کردند و چه می کنیم، تابلوهای نور و ظلمت باقی است.

ص: ۳۰

۱- قصص: ۵.

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (۱)

نکند ما با گناه و معصیت، قلب ظلمانی پیدا کنیم و با تکذیب حقایق و واقعیت‌ها، تابلوی ظلمت و مایه‌ی عبرت گردیم.

شنیدم چند نفر به ظاهر تحصیل کرده و از فرنگ برگشته دور هم جمع شده و گل گفته و گل شنیده‌اند که امام حسین (علیه السلام) گریه نمی‌خواهد، حزن و سیاهپوشی نمی‌خواهد، اصلاً گذشته‌ها گذشت، حالا باید فکری به حال ترقی خودمان بکنیم.

اولاً به آقای دکتر ... که عاشورائیان را عقب مانده می‌داند و خودش را مترقی می‌خواند، می‌گوییم: آقای دکتر! خواهشمندم برای این کسالت که به جان و روح شما افتاده، یعنی درد و مرض برتری جویی و علوّ خواهی و خود پسندی حتماً به دکتر مراجعه کنید. آقای دکتر! چه مقدار از مجهولات دنیا برای شما و امثال شما

ص: ۳۱

۱- نمل: ۶۹.

معلوم است؟

چه مقدار از حَقائیت پیامبر و قرآن و عترت می دانید؟

علم و دانشی که شما بر آن تکیه می کنید آیا در تورات و انجیل وجود دارد؟ علم طب، دانش شیمی و داروسازی، علم الحیل و مکانیک، هیئت و نجوم و غیر این ها را در کدام کتاب و مکتب در قرون گذشته پیدا می کنید؟

آقای دکتر و خویش مهندس شما، باید بدانید آن زمان که از امریکا خبری نبود و اروپا هم الف بای این علوم را نمی دانست، قرآن و عترت (علیهم السّلام) مبدء این علوم بودند.

آقای دکتر! و آقای مهندس! چرا هندسه ی فکرتان بر اساس حق کُشی و کج سلیقگی بنا شده و با میکروب غرور و متیّت سروکار دارید؟ یک مقدار ترقّی بفرمائید و به اندازه ی گانندی آتش پرست، مَرَد باشید و به یگانه مَرَد حُرّیت و آزادگی، عبودیت و بندگی در برابر خداوند متعال، یعنی امام حسین (علیه السّلام) احترام بگذارید.

ص: ۳۲

در مجلسی که چند نفر جوان کم مطالعه و کم تجربه نشسته اند سخن گفتن و زمین را به آسمان دوختن و تمام افتخارات را به آمریکا و اروپا نسبت دادن و بر سر خودی ها کوبیدن، کاری است که از یک عمده و کارگر ساده هم بر می آید.

مرد باشید و در یک مجلس عالمانه و محققانه بر اساس ادله ی عقل و نقل، مستند و با ادب سخن بگوئید، تا معلوم شود چه می گوئید.

آقای دکتر! آقای مهندس! یافتن غیر از بافتن است، آن چه برای من نقل شد، مطالب شما در مورد عاشورا و امام حسین (علیه السلام) یافتنی نیست بلکه، بافتن است و معلوم می شود که درآمد پزشکی و مهندسی شما کم شده، و اخیراً شما به شغل بافندگی هم روی آورده اید.

شما باید در آن جلسه معلوم می کردید که آیا در دایره و محیط عبودیت و بندگی خداوند و پیروی رسول اکرم و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) صحبت می کنید، یا در محیط منحنط الحاد و کفر، و مردود دانستن همه ی مقدّسات الهی، بافندگی می نمائید.

گریه بر امام حسین (علیه السلام) سنت نبوی و سیره ی اهل بیت (علیهم السلام) است که این سیره، مطلوب خدای متعال می باشد.

آقای دکتر! و آقای مهندس! وقتی ما مأمور به عزاداری باشیم و بر گریه و حزن بر امام حسین (علیه السلام) و مصائب آن حضرت دستور داشته باشیم، آیا می توانیم تبلیغ شادمانی در روز تاسوعا و عاشورا بنمائیم؟

مگر اینکه اصل دین و دیانت را رد کنیم و قیافه روشن فکر ما بانه گرفته، برای فاتحه دین، نیم ثانیه سکوت کنیم.

و راستی آیا شهادت امام حسین (علیه السلام) و مصائب آن جناب شادمانی دارد؟

درست است، مقام آن حضرت بالا و والاست و در روز عاشورا اوج عروج الهی داشت و این مصیبت را صد چندان می کند که به چنین شخصیت بزرگی جسارت و بی ادبی بنمایند و سنگ بر پیشانی و خنجر بر حنجر آن جناب بگذارند .

آقای دکتر! آقای مهندس! با حرفهائی که از شما

نقل گردید توقع نیست شما برای عزای پدر یا مادر و برادران و خواهرانتان گریه کنید و در مجالس فاتحه خویشان و دوستان شرکت بفرمائید، پیام تسلیت هم برای هیچ کس نفرستید، بلکه در عزای عزیزان و دوستان خود، خنده کنید، کف بزنید، سوت بکشید و پیام شادباش نفرستید، به هر حال شاید آن مرحومین به بهشت رفته باشند، و بهشت رفتن که گریه و حزن و تسلیت ندارد.

آقای دکتر! مطالبی که شما گاهی برای بعضی جوانان بیان می دارید، بی مأخذ نیست مأخذ آن را برای شما می گویم، و بدانید این مطالب هرگز بی پاسخ نمی ماند.

شما و آقای مهندس، که برای خویشان خود سخن گفته اید، در پیشگاه خدای متعال باید پاسخ گو باشید، چرا و به چه علت در مسائلی که وارد نبودید و در تخصیص شما نبود وارد شدید و غلط اندازی کردید و غلط گفتید و نسل جوان را به راه غلط دعوت نمودید.

مأخذ گفتار شما گفتار صوفیه است که تمام فرقی

آن‌ها مردود ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) هستند.

و اصلاً شادمانی در روز عاشورا و تبریک گفتن از فرهنگ بنی‌امیه نشأت می‌گیرد، و صوفیه توجیه گر کار بنی‌امیه و بنی‌عباس و ستمگران تاریخ بوده و هستند. قصه‌ی عزاداری در انطاکیه و بافتن مولوی در مثنوی و قصه‌گریه‌ی سرور حدّاد، برای پیروان قرآن و عترت هیچ ارزشی ندارد.

اگر مثنوی این مطالب را القاء نمی‌کرد و مثنوی گوها مؤید نمی‌شدند، چطور آقای روشن فکر نما که خود و فرزندانش در لجن مفسد اخلاقی و اعتقادی غوطه‌ورند می‌توانستند عزادار امام حسین (علیه‌السلام) را استهزاء کنند و سینه‌چاکان و عاشورائیان را مردمی عقب مانده بخوانند.

به هر حال گذشت، عاشورا رسید، شب عاشورا به منزل یکی از شیعیان دعوت شدیم و با بعضی دوستان به آن جا رفتیم.

می‌گوئید آن جا چه خبر بود؟

اقتضاء زمان می‌گوید، آن جا عزاداری بوده است.

بله، آن جا تجلیل از دین اسلام و تعلیم دانشگاه تشیع و

مکتب امام حسین (علیه السلام) بود.

اسلام هم چون آب است، اگر در جایی جلوگیری از جریان آب بنمایند، از جای دیگر نفوذ می کند.

آقای دکتر و مهندس خودی، میکروب غرور و خودپسندی به کله اش می زند و به مقدّسات دینی اهانت می کند، و اینجا غریبه، با جذبه ی عاشورا، به جمع عاشورائیان می پیوندد و خودی می شود.

سه نفر در مجلس یاد شده، اهل فیلیپین از مسیحیت به اسلام گرویدند.

شب عاشورا، شب نشان دادن تابلوی نور و ظلمت، انتخاب کن «إِنَّا هِدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (۱) و عاشورا راه انبیاء، تشریحگر مسیر ابراهیم و اسماعیل، دانشگاه پیامبر اسلام ۶ و خاندان عصمت و طهارت.

انسان! خواب هستی یا بیدار؟ با تو هستیم، محققین غرب و اروپا، دسته دسته به اسلام روی می آورند و اگر

ص: ۳۷

استعمار نبود و اگر موانع سدّ راه تبلیغ نبود و اگر خودی ها، قدر می دانستند و بیشتر و بیشتر کار می کردند، مثلاً- حاجی بازاری عوض خرجهای بیهوده به کار تبلیغات می رسید، کار به زبان روز و برای رضای خدا، می دیدی اسلام چه اندازه طرفدار پیدا می کرد.

و این گونه شب عاشورایمان گذشت، ساعت شش و ربع، قبل از مغرب خانم «فیما» مسلمان گردید، و به انتخاب خودش اسمش را «فاطمه» نهادیم.

- آیا به اسلام علاقه دارید؟

- خیلی علاقمند هستم، دوست دارم بیشتر در مورد اسلام بدانم.

- آیا می خواهید اسلام اختیار کنید؟

- بله! از روی میل و رغبت می خواهم مسلمان بشوم.

- هر زمان مسلمان شدید باید به احکام اسلام عمل کنید، مثلاً نماز بخوانید، روزه بگیرید، حجاب داشته باشید.

- عمل می کنم، دوست دارم عمل کنم.

- آیا اسلام آوردن شما از روی اکراه و اجبار

نیست؟

- قبلاً گفتم من اسلام را دوست دارم.

در اینجا یکی از برادران روحانی مطالب خوبی را بیان نمود تا مغرب فرا رسید.

نماز مغرب و عشا را خواندیم، میزبان بسیار از مسلمان شدن «فیمیا» خوشحال بود.

خانم میزبان که در تبلیغ اسلام برای این خانواده فیلیپینی زحمت کشیده بود، می رفت تا برای بعد از نماز آقای «رومن» و خانم ... را به مجلس بیاورد.

و بعد از مدتی این دو جوان فیلیپینی وارد شدند.

از آقای «رومن» می پرسم، آیا از اسلام اطلاع داری؟

- کمی، اسلام روابط خانوادگی سالم دارد، اخلاق دارد.

- می خواهی مسلمان بشوی؟

- از صمیم قلب.

ص: ۳۹

- تحصیلات شما و ستان؟

- دیلم و سنم ۳۵ سال.

از خانم می پرسم، تحصیلات و سن شما؟

- لیسانس حسابداری و ۲۱ سال.

- آیا از اسلام اطلاعات دارید؟

مقداری، اسلام کارهای خوبی دارد، قوانین خانوادگی و اخلاق و حالا بیشتر انسان به فکر می رود، فکر بی فکری تحصیل کرده های خودی.

البته نه همه ی آن ها، ما تحصیل کرده ی متدین و مؤدب فراوان داریم، اگر تحصیل کرده های متعهد و روشن فکر واقعی نبودند، الان دانشگاه ما بیش از این به گناه و خطا روی می آورد.

خداوند متعال اجرشان دهد، در سنگر مبارزه با گروه های انحرافی، این ها سهم خوبی دارند.

همراه با مرجعیت شیعه، معتقد به مبانی ولایت، سنگر دارند.

به هر حال آقا و خانم فیلیپینی در شب عاشورای حسینی ۱۴۲۶ ساعت هفت و نیم مسلمان شدند. خداوند

ص: ۴۰

به میزبان و همسر ایشان و همه ی افرادی که مشوق بودند و در آن جلسه شرکت داشتند جزای خیر عنایت فرماید.

شب عاشورا است، تنها نشسته و فکر می کنم.

امام حسین (علیه السلام) دو دانشگاه دارد. (دانشگاه نظری و دانشگاه عملی) و ما برای بهره برداری از این دو دانشگاه دو مانع داریم.

۱ - حکومت‌های استعماری

۲ - سستی جوامع اسلامی

برای هر کدام مطالبی را بیان می کنم.

ببینید دروس دانشگاه نظری امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه مطرح شده است عرفان واقعی، نهایت بندگی در برابر حق تعالی، بصیرت، خشیت.

اللّٰه اکبر، ماشاء اللّٰه به این بیان، درود به این حنجره، و سلام بر این زبان و دهان، رسولان الهی باید بیایند پای این دعا زانو بزنند و در دانشگاه عرفه ی پسر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) متعلّم باشند و معبود را با کلام حسینی بخوانند.

به خدا! اگر کسی دعای عرفه را بفهمد، و خوب

ص: ۴۱

بشناسد، دیگر بی دین، ماتریالیست، مسیحی و یا یهودی نمی ماند.

اهل سنت اگر بتوانند در معانی این دعای بزرگ تدبّر کنند. حتماً به گروه شیعه می پیوندند.

همین دعا بود که آقای «سومیاکی» ژاپنی را از بودائیت به اسلام آورد، داستان تشرّف نام برده را در جزوه ی استقبال خورشید نوشته ام، این دعا در کربلا و روز عاشورا عملاً به بشریت تدریس شده است.

آنجا که در دعای عرفه می گوید: «متی غبت حتّی تحتاح الی دلیل یدل علیک»

معبودا! تو کی غائبی، تو آشکاری، ظهور هر چیز از توست، چگونه ممکن است خودت ظهور نداشته باشی؟!

کور باد چشمی که تو را نبیند!

حالا در صحنه ی کربلا به گونه ای رفتار می کند، که خدای را می بیند. شب عاشورا، نمازش نیاز صد درصد است، «انا الفقیر فی غنای»، اگر بشریت این نماز را

می شناخت به آن نیاز پی می برد.

نماز امام حسین (علیه السلام)

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» با لفظ نه، لفظ باید باشد، ظاهر باید رعایت شود، شرع مطهر باید عملی گردد، ولی تلفظ با معنا باید باشد، قول با عمل باید همراه بشود خیلی ها مناجات دارند، البته نه در حد مناجات امام حسین (علیه السلام)، حتی نه در حد مناجات اصحاب امام در کربلا، مناجاتشان چاپ و منتشر هم شده است، می بینیم نه مناجات این ها بوی دعای عرفه می دهد، و نه خوانندگان کربلایی فکر می کنند.

گوشه ای خزیدن، رُهبانیت، درک نکردن مسئولیت های اجتماعی، این با خط دعای عرفه و عاشورا فرق دارد.

«أَنَا الْفَقِيرُ» و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی مناجات امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا به نمایش گذاشته شد، یعنی باطن بندگی و عبودیت را ابا عبدالله (علیه السلام)، پدر بندگی نشان داد.

ص: ۴۳

صدای العطش دل دار را جریحه دار کرده است، مگر فرزندان خود را دوست نمی دارد، شهادتِ شاگردانِ ممتاز این دانشگاه مگر برای استاد مصیبت، بزرگ به حساب نمی آید؟ پسرش علی، نماینده و نمایش دهنده ی محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم)، خَلق و خُلُق و منطق محمّد مصطفی را به یاد نمی آورد؟ مگر شهادتش وامصیبتاه ندارد؟ آنکه حرف شادی می زند در جهالت گاه بنی امیّه و بنی عبّاس به نام عرفان تغذیه شده است.

وامصیبتاه وامصیبتاه! پسر علی، بین غربت مرا، پسر برادرم قاسم و برادرم عباس، خدایا چه می گویم؟

امام حسین (علیه السّلام) برای این که بزرگی مصیبت را نشان بدهد، بزرگی عباس را، بزرگی عبودیت را، می گوید کمرم شکست، تا روشن فکر نما و وهابی زده نگوید عاشورا شادی می خواهد، بدبخت، عاشورا، سند مظلومیت عترت را، چرا به همراه مخالفان به ابتذال می کشی؟ عاشورا تار و تُنبک نمی خواهد، عاشورا دل سوخته و قلب غم بار می طلبد و فریاد علیه ستمگران.

از دست دادن این سلاح به نام عرفان، صلاح اُمّت نمی باشد، و هرگز تبلیغ شادمانی وفق مُراد، امام حسین (علیه السلام) نیست. چرا گفت کمرم شکست؟ تا تو هم به امامت تأسی کنی، و داغ علی اکبر و قاسم و عباس را بفهمی و در این مصائب مصیبت زده باشی.

اللّه اکبر، دل را ببین، دل دار را ببین، کدام بنده است به این مقدار دل داشته باشد؟

مگر نمی دانست؟ بله از اوّل می دانست، این جا تهلکه نیست، این جا حیات طیّبه است، از اوّل بله گفت و تا آخر ایستاد.

«اشهد انک قد اقامت الصلوه»، اقامه ی صلاه، اقامه ی عبودیت، تدریس عملی بندگی، مگر ابراهیم قضیه ی اسماعیل را نمی دانست؟! مگر اسماعیل قضیه ی خنجر و حنجر را نمی دانست؟! اینجا وادی بلی گفتن است، تهلکه آن است که تو در آن غوطه وری، تهلکه، جهل تو به مبانی عبودیت و غفلت نسبت به عاشورائیان است.

ص: ۴۵

و شیرخواره علی اصغر، دیدن دارد، قلب را نظاره کن، معجزه چیست، انسانی در اوج غربت انسائیت، انسائیت را به نمایش می گذارد او به لشکریان آب می دهد و این ها عوض آب به شیرخواره تیر سه شعبه!

دعای عرفه، و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» در دانش گاه عبودیت کربلا عملی گشت و ملائکه «...إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» را دانستند.

وامصیبتاه! چکیده هستی، عصاره مکتب انبیاء، جان رسول خدا، زیر چکمه ستم.

این همان چکمه ی روز سقیفه است، این را بدانید،

نگوئید شیعیان قاتلان حسین (علیه السلام) شدند، ریشه را بنگرید، یزید فرزند معاویه و معاویه فرزند سقیفه است، فرهنگ سقیفه اطاعت از یزید و عبیدالله را اطاعت

«أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (۱)

تعریف کرده و می نماید.

ص: ۴۶

شمشیر بالای سر علی، عاشورا، ضربتی بر پهلوی امام گردید، وامصیبتاه! نمی تواند روی پا حرکت کند، صدای طفلان را یا صدای هلله و شادی اعداء را بشنود.

او، امر خدای را می شنود، او «أُذُنٌ وَاعِيَةٌ» (۱) دارد، بلکه خودش اُذن واعیه است، عین الله، تمام عالم را می بیند، کور نیست، امام را کور تعریف نکنید، امام کور، برای بشر نمی تواند بصیرت بیاورد.

خواهرش آمده است، می گوید برگرد، شریک تا آخر کار باید با شریک همکاری کند.

ما هنوز کار داریم کوفه و شام، تعهد و مسئولیت،

وامصیبتاه! هوا دگرگون می شود، عالم تکوین هم بر سر و سینه می زند، تا الان چنین است اما دیده بصیر می خواهد، شما گریه انسان را می بینید، اما آیا از گریه جنّ و ملائکه خبر دارید؟ گریه کوه و دشت و صحرا، گریه آب؟

«إِيَّاكَ نَعْبُدُ» و عبارات عرفه از حنجره ای مقدّس و از

ص: ۴۷

لب و دهانی مطهر بیان می شود و عاشورا و اوایله، و اوایله این حنجر، زیر خنجر، بندگی را به بشریت یاد می دهد.

و دانشگاه تمام نمی شود، سر بر بالای نیزه قرآن می خواند، تا ایستادگی و استقامت را یاد دهد، تا با قرآن بودن را بیاموزد، تا به اهل قرآن همراهی قرآن خواندن را با عمل به قرآن تدریس کند.

و این دو دانشگاه، دانشگاه عبودیت نظری، و دانشگاه بندگی عملی دو مانع دارد:

۱ - حکومت‌های استعماری

۲ - سستی جوامع اسلامی

حکومتها از این طرز تفکر و از این مجاهده و مبارزه سیلی خورده و می خورند، مکتب هیئات منا الذلّه، با ستم و تجاوز، ظلم و بی عدالتی مبارزه می نماید، و بر این اساس در طول تاریخ، بلندگوی این دو دانشگاه از طرف حکومت‌های طاغوتی به خاموشی می گراید.

بلندگوی دعای عرفه و ادعیه مأثوره بیشتر بوسیله دو گروه که ایادی حکومت‌های طاغوتی هستند خاموش

ص: ۴۸

می شود.

۱- گروهی که خود دعا دارند، ذکر دارند، عرفان دارند، در واقع برای مقابله با مکتب حق، دعا و ذکر می تراشند و عرفان می بافند و تبلیغ تصوّف می کنند.

۲- گروهی که روشنفکرانما هستند و اصلاً دعا و مناجات را ردّ می کنند، این کارها را خرافی می دانند و دعا کنندگان را به دیده ی تحقیر می نگرند.

و بلندگوی عبودیت عملی، یعنی عاشورا، از همین دو طایفه ضربه خورده است.

طایفه ی اوّل گریه ی شوق و سرور را عنوان نموده، با حزن عاشورا و بکاءِ آن به مخالفت برخاسته اند و طایفه ی دوّم گاه با تصوّف هم صدا گشته، مبلّغ تار و تُنبک هستند، و گاه اصلاً به انکار قضایا پرداخته، آب به آسیاب بنی امیّه و بنی عبّاس می ریزند، مثلاً- انکار احراق بیت حضرت فاطمه (علیها السّلام) می کنند، و یا جنایات ظلمه ی کربلا را با هزار پُر روئی ردّ می نمایند، و یا عزاداری و روضه خوانی را ساخته ی صفویّه معرفی، و به عنوان مبارزه با

استعمار، با مکتب ضدّ استعمار یعنی تشیّع مبارزه می کنند.

ص: ۴۹

مانع بزرگ تر برای درک این دو دانشگاه بزرگ، سستی جوامع اسلامی است. وای از سستی ما، همین سستی را در زمان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می بینیم.

نهج البلاغه فریادهای علی (علیه السلام) را منعکس کرده، بر سر مردم فریاد می زند که سستی وجودتان را فرا گرفته و به کار و تلاش و مبارزه در راه دین بی توجه اید.

زمان امام حسن را خوب توجه کن، و بی تفاوتی مسلمین را، وای از این سستی! وای از این بی تفاوتی!

و امروز شرح مثنوی داریم اما شرح دعای عرفه نه، آیا در دانشگاه های ما دعای عرفه تدریس می شود؟

چند درصد ما دعای عرفه را خوب فهمیده ایم؟ آیا می توانیم آن را تدریس کنیم؟

آیا به تأسیس دانشگاه عترت (علیهم السلام)، فکر کرده ایم که دروس عمومی و تخصصی داشته باشد و از جمله در رشته ی ادعیه شناسی، زیارت شناسی کار کند و نسل جوان ما و کشورهای دیگر را بپذیرد و برای آن ها تدریس معارف نماید؟

ص: ۵۰

در حوزه ی علمیّه کفایه کفایت می کند، تدریس این دروس بزرگ یعنی دروس زیارات و ادعیّه لازم نیست، بگویند فلانی حاشیه بر کفایه دارد، یا شرح دعای کمیل و دعای عرفه، کدام بالاتر است.

وای بر ما از تحقیر! آقای منبری و نویسنده و کاتب معارف اهل البیت (علیهم السّلام) را روضه خوان معرفی کردن و قصد تحقیر داشتن و با عناوین بازی نمودن و کفایه را برای درمان هزاران درد اجتماعی کافی دانستن با این که کفایه، کفایه اصول فقه (فرعیه) است، نه کفایت همه ی موضوع ها و همه ی مشکلات، آن هم با دهها اشکال که دهها سال است، بر آن وارد می کنند، این حوزه ی ما و آن هم دانشگاه ما، و بازار ما بدتر، بازاری که حاضر است برای جشن تولّد و جشن عقد دختر و یا پسرش آن همه هزینه کند و اسراف، حالا به او پیشنهاد یک کار فرهنگی بده، بین ساختمان بازار بر سرش خراب می شود و می گوید آقا بازار خراب است، با این که خودش خراب است، فکرش خراب است، بیچاره اسلام را خلاصه کرده در جمعه و جماعت، آن هم اگر جمعه

و جماعت برود.

مقدّس نامقدّس که زمان امام علی و امام حسن و دیگر ائمه (علیهم السّلام) بودند و عوض کار و تلاش بیشتر، به امام ایراد و اشکال می گرفتند.

سستی جوامع اسلامی از این جهت مانع نور دادن دو دانشگاه مذکور است که زمینه را برای حرکت جهالت کده ی دشمن فراهم می سازد، سستی ما اگر نبود مکتب های استعماری، پُر رهرو نمی شدند و به فریب نسل جوان ما نمی پرداختند.

البته همان طور که اشاره نمودم، دانشجوی متعهد و وظیفه شناس داشته و داریم و نیز علماء عامل به وظایف، و اگر اینان نبودند اهل بیت (علیهم السّلام) و دانش پژوهان دانشگاه آنان بیش از این مهجور بودند.

زمان غیبت کبری بقاء دین و حیات متدینین به عنایت خاصّه حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بستگی دارد و تلاش و کار علماء عاملین به عنایت حضرت مشکل گشا بوده و هست، و نیز در بازار، مرد کار و جهاد و عاشق دل سوخته داشته و داریم، ولی «... وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي

ص: ۵۲

و حال عاشورا رو به اتمام است، فکر کارهای بعد از عاشورا، راحتی را از اولیاء گرفته است.

فکر کوفه و سنگ زدن دشمن!

فکر شام و شادی اعداء!

در آن ظرف زمانی باید فکر کنیم چگونه پاسخ تبلیغات سوء داده می شود، چگونه به مردم بفهمانیم که امام حسین (علیه السلام) خارجی و غریبه از دین نیست بلکه خود اصل دین و مکتب او اسلام واقعی است.

چگونه باید به امام سجاد (علیه السلام) یاری دهیم، و یاور اهل البیت (علیهم السلام) باشیم و چگونه . . .

و عاشورای فعلی ۱۴۲۶ هـ - ق مگر همان سنگ زدن ها وجود ندارد.

مگر همان تهمت ها نیست، مگر شادی اعداء را نمی بینیم؟

امروز باید حال امام سجاد دوازدهم را بپرسیم.

شهر به شهر دیار به دیار «أَبْرَضَوِي أُمَّ غَيْرِهَا أُمَّ ذِي

کجاست غریب زمانه، مظلوم هزار و اندی ساله، همه ی دنیا کوفه و شام شده، و از شرق و غرب، سنگ جفا بر این عزیز می بارد.

در سفری که شوال المکرم ۱۴۲۴ هـ.ق به سامرا مشرف گشتم روز بعد، سامرا را اشغال گران زدند و به حرم اهانت کردند، بعضی دوستان خیلی اظهار نگرانی می نمودند، گفتم: این اهانت قرن ها است از طرف دشمن انجام گرفته، این روزها آشکارا شده است، مگر مکتب های انحرافی را نمی بینیم، مگر از کتب ضد ولایت و مهدویت خبر نداریم، این ها هجوم به حرم سامرا است هجوم به خانه ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

آیا به اندازه ی سهل ساعدی برای امام سجاد دوازدهم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کار می کنیم که عمامه ی ما کمی از جراحات امام بکاهد و مرهمی بر دل آن وجود مطهر شود؟

ص: ۵۴

یا (خدای ناکرده) خطیب دربار یزید می شویم، و جراحات آن قلب عالم امکان را دو چندان می کنیم.

به هر حال وقایع تاریخ باید برای همه ی ما درس باشد به خصوص واقعه ی غربت اهل البیت (علیهم السّلام).

و امروز بینیم مقابل وارث اهل البیت (علیهم السّلام) و نماینده ی خداوند متعال حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چه کسانی با چه منطقی ایستاده اند، شناسایی کنیم و از راه نصیحت و اطلاع رسانی، و الا از طریق افشاگری و دفاع، راه را بر آنان ببندیم.

و عاشورا درس های فراوانی دارد، اوّل، آب دادن حتّی به دشمن تا مظهر رحمّه للعالمین شناخته شود.

همان آقا را می گویم که تا لحظه های آخر حیات جسمانی از سر رأفت، مردم را موعظه می فرمود.

دوّم، آب طلب کردن، تا بی رحمی و شقاوت فرزندان سقیفه معرفی گردد.

در مورد امام سجاد دوازدهم، اطلاع رسانی باید نمود که او هم آب حیات جامعه است، «لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةَ مَيْتًا» (۱)

ص: ۵۵

و حتّی به دشمن آب می دهد، وارث پیامبر اسلام و علی مرتضی و فاطمه الزهرا و حسن مجتبی و حسین سیدالشهداء (علیهم السلام) در کرامت، در اخلاق و انسانیت، در رأفت و رحم به همه ی انسان ها، در ضمن طلب یاری دارد، تا معلوم شود چه کسی و چه کسانی بی جهت ادّعیای اسلام و دین داری می کنند.

یکی از وظایف بزرگ در زمان غیبت نشان دادن رحم و عطف امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جهانیان است.

علی رغم تبلیغات استعمارگران غربی و اروپایی و دیگران، باید علاقه امام به انسان ها ترسیم شود و دل سوزی آن حضرت برای مردم دنیا تابلو گردد.

اصلاً نهضت و قیام آقا برای نجات انسان ها است، او منجی بشریت است و برای مردم و سعادت آنها دلسوزی می فرماید.

چگونه بشر جنگ افروز و انسان خون خوار و ستمگر می تواند منجی بشریت باشد؟

او سر جنگ با کسی ندارد و جنگ افروز نیست، مگر این که مثل واقعه ی عاشورا جنگ از طرف دشمن آغاز گردد و دشمن به حریم مهدویت حمله ور شود،

نشان دادن این نکته در قیام المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیار ضروری است، که عادت امام مانند اجداد طاهرینش، احسان و سنجیه و روش او، کرم و لطف است.

در این جا به آن ها که تمکن مالی دارند می گویم:

اگر توفیق داشته باشید و مالتان به جانتان گره نخورده باشد، با همکاری علماء و اندیش مندان، سریالی بسازید که متخذ از آیات و روایات معتبره و تاریخ صحیح، اهداف حضرت را نشان بدهد و به خصوص رحم و عطوفت آن جناب را برای جهانیان تابلو نماید.

مردم اگر زیبایی رفتار حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بدانند و رأفت و مهربانی، پاکی و عدالت، دلسوزی و کرامت آن جناب را بشناسند خود مبلغ مهدویت می شوند.

در همین شب ها به دو نفر جوان ایرانی برخورددم، که یکی

از این ها برای بیان مشکلش نزد بنده آمده.

- سلام علیکم

- سلام علیکم و رحمه الله

- آقا می خواهم چند دقیقه با شما حرف بزنم

- بفرمائید

- من معتقد به ائمه هستم و برای امام حسین (علیه السلام) خرج می کنم، حالا به این بزرگواران متوسل شدم ولی

ص: ۵۷

به من جواب رد دادند.

- از او توضیح خواستم معلوم شد که این آقا به رفیقش بدهکار است و هر دوی این ها یعنی طلب کار و بده کار متوسل شده بودند که کارشان حل بشود ولی مشکل باقی مانده بود.

- آقا آیا این درست است که ائمه ما را مأیوس کنند.

فکر کردم باید وقت زیادی برای این دو جوان صرف کنم، البته آقای طلب کار سراغ من نیامد و مثل این که از من هم طلب کار بود.

به هر حال با جوان بده کار وعده کردم که نیم ساعت بعد، برای تسکین هر دو صحبت کنم.

نیم ساعت بعد جوان بده کار به دنبال من آمد و مرا به منزلش برد.

در بین راه سخن از توسلات می گفت و بسیار اظهار محبت نسبت به امام حسین (علیه السلام) می نمود.

به محل کار رسیدیم، آقای طلب کار خیلی خسته و کوفته به نظر می رسید، تمام وجودش را یأس و ناامیدی گرفته بود، حال سلام و احوال پرسی نداشت، او را به حرف آوردم، معلوم شد مبلغ نسبتاً بزرگی از آن جوان

ص: ۵۸

طلب دارد و سخت به این مبلغ احتیاج دارد.

او هم در حالی که برای کارش به دعا و توسل دست زده بود و مأیوس شده بود گفت:

من به دوستم گفتم معلوم می شود ما رانده شده هستیم و ائمه نمی خواهند به ما جواب بدهند.

چشمش را اشک گرفته بود با دست اشکش را برطرف کرد.

گفتم: اولاً جواب دعا و توسل طبق مصالح انجام

می گیرد، گاهی مشکلات و حل نشدن آن ها گوشمالی و تأدیب است، گاهی برای بالا رفتن مقام ما می باشد.

گاهی چون طرف را دوست می دارند، جواب را فوری نمی دهند می خواهند بیشتر توسل پیدا کند.

و شما باید تحمل داشته باشید، مرد آن است که در کشاکش دهر سنگ زیرین آسیا باشد، انسان باید استقامت داشته باشد و از خداوند متعال صبر و استورای بخواهد.

به هر حال نباید از امام زمان و ولی دوران مأیوس بشوید، باید به توسل بیفزائید، همین سخن گفتن با آقا، خودش مطلوب است، لذت بخش است. انسان اگر مشکل پیدا نکند، به خواب غفلت مبتلا می شود و از دین و پیشوایان فاصله می گیرد، مشکلات انسان را می سازد و

متوجه خداوند متعال می کند.

مدتی به این سخنان ادامه دادم دیدم جوان طلب کار گریه می کند.

گفتم: شما الآن یک نماز توسل به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بخوانید و با آقا حرف های خود را بزنید.

باور کنید هنوز جمله ی من تمام نشده بود که این جوان برای وضو گرفتن به سمت آب رفت و بعد از وضو مشغول نماز امام زمان شد.

ببینید، جوان چه مقدار پاک است، استعمار گران و منحرفان از پاکی و صداقت جوانان ما سوء استفاده می کنند.

به نام ترقی، به نام سعادت و به نام آزادی، جوانان ما را از خدا جدا می کنند.

ما باید با ایجاد مراکز پُر جاذبه و مراکز پُر محبت از این جدائی جلوگیری کنیم.

باید از محبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بگوئیم، از قلب رئوف و دل مهربان آن حضرت سخن برانیم، و خود نیز با مردم و جوانان مهربان باشیم تا بتوانیم در تبلیغ دین و ترویج مهدویت موفق بشویم.

فردای آن روز دو جوان مذکور به من تلفن زدند و

ص: ۶۰

از سخنان بنده تشکر کردند.

ببینید تبلیغ مؤثر است، به خصوص تبلیغ همراه محبت و دلسوزی، این نوع تبلیغ زودتر اثر می کند.

گذشت آنچه گذشت و سفر ما در عاشورای ۱۴۲۶ هـ.ق به پایان رسید، ولی هنوز در سفر اصلی سیر داریم، سفر به سوی یار، آیا به مقصد می رسیم یا در بین راه به جاده ی انحرافی و روشنفکرنمائی، صوفی گری و وهابی گری و تقلید بیگانه کشیده می شویم.

خدا کند ولی پروردگار، راه سوء استفاده از اختیار را بر ما مسدود کرده، دریچه علم و معرفت، کمال و هدایت را مفتوح فرماید.

ص: ۶۱

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

